



امروز با مولانا

استخوان و پشم آن گرگان عیان
عاقل از سر بنهد این هستی و باز
بنگرید و پند گیرید ای مهان
چون شنید انجام فرعونان و عاد
پس سیاست او که ما را در جهان
کرد پیدا از پس پیشینیان

یک خبر | یک نگاه

نیمی از مدارس تهران فرسوده‌اند

شهر است. طلایی همچنین با باین این که ۲۰ مدرسه بالای ۴۰ سال قدمت در مناطق جنوبی تهران (شهری) وجود دارد که ۳۶ مدرسه نیازمند حمایت جدی برای تخریب و نوسازی است، عنوان کرد. این در حالی است که بودجه دولت برای سرانه همه مدارس در سال ۹۳ تنها ۱۲۰ میلیارد تومان بوده است.

ایمن نبودن مدارس در برابر آتش سوزی هم یکی از مشکلات عمده مدارس است که نایب رئیس شورای شهر در این رابطه هم گفت. سیستم گرمایشی برخی از مدارس مناطق محروم هنوز بخاری است یا اگر شوفاژ دارند این سیستم بسیار فرسوده شده و خطرات زیادی به همراه دارد. سیستم گرمایشی استاندارد از اساسی ترین امکانات اولیه مدارس شهری به وسعت تهران است که متأسفانه برخلاف تصور عموم مردم حتی کاری که می‌تواند از خسارت‌های احتمالی این بلای طبیعی بکاهد، مقاوم‌سازی ساختمان‌های

در خیرهای روزهای اول مهر خبری در مورد مدارس تهران آمده بود. مرتضی طلائی، نایب رئیس شورای شهر تهران در جلسه علنی شورای شهر تهران همزمان با آغاز سال تحصیلی با بیان این که لازم است مدیریت شهری توجه ویژه‌تری به مدارس و مراکز آموزش عالی داشته باشد، به بافت فرسوده مدارس اشاره کرد و گفت: از ۴۲۰۰ مدرسه در تهران بیش از ۵۰۰۰ کلاس غیرمقاوم وجود دارد که معادل ۲۰۰۰ مدرسه است که هزینه هر متر مقاوم‌سازی آنها بیش از ۱۵۰ هزار تومان است.

تهران کلاشهری است که گسل‌های غیرفعال زیادی در مناطق مختلف شهر دارد و همیشه کارشناسان زلزله‌شناسی هشدار می‌دهند که احتمال فعال شدن این گسل‌ها وجود دارد. تنها کاری که می‌تواند از خسارت‌های احتمالی این بلای طبیعی بکاهد، مقاوم‌سازی ساختمان‌های

عدم تسلط به کار بر این دستگاه در حکم بیسوادی است. متأسفانه به‌عنوان یک واعظ غیرمتعهد، خودم آنچنان در این راه نکوشیدم و از این نظر اطلاعات من روزآمد نیست هرچند سعی کرده و سعی دارم این نقیصه را مرتفع کنم، اما این اشکال بر من وارد است. ثالثاً: دوستانی به من گفته‌اند و من می‌پذیرم که در گفتار و نوشتار از کلمات و عبارات عربی زیاد استفاده می‌کنم. مقداری از این مشکل مربوط به نسل من است و نحوه آموزشی که داشته‌ام اما به‌ر حال از آن‌جا که به ویژه مقالات، کتاب‌ها و نوشته‌هایی که برای عرضه به عموم یا مثلاً به قشر دانشجوی کارآموز حقوق یا تخصص خاص تهیه و عرضه می‌شود، باید چنان باشد که برای متوسط آن گروه قابل لمس و درک باشد و به همین جهت نیز باید این مشکل و نقیصه را برطرف کرد و البته من سعی در این دارم. از جمله این که کتاب‌ها یا نوشته‌ها را بار دیگر با این دیدگاه که الفظ عربی را حذف کنم، می‌خوانم و به این ترتیب گاهی این مشکل تا حد زیادی مرتفع می‌شود اما به‌ر حال چون در کلام یا نوشته مواردی به صورت خود به خودی مطرح می‌شود این انتقاد را در خود وارد می‌بینم.

رباعی: گاهی به من این ایراد گرفته شده که در مورد مسائل مادی بی‌توجه هستم و آنچنان که باید در این گونه موارد دقت نداشته و سختگیری نمی‌کنم. این ایراد را به‌عنوان یک مطلب گذرا می‌پذیرم اما از آن‌جا که این عدم توجه و دقت اگر هم مصداق داشته باشد در طول زندگی طولانیم هرگز باعث بروز اشکال مهمی نشده است، گمان نمی‌کنم این از جمله مواردی باشد که از خود انتقاد کنم. اما همچنان که عرض کردم موارد ایراد و انتقاد از خود بسیار بیشتر از اینهاست که بیان کردم و احتیاج به نوشتن جزوه و کتاب دارد اما شاید در حدی که مورد نظر شما است، همین موارد کفایت کند.

خودمشت مالی



باعث شده است که از سایر امور از جمله وظایفی که در قبال خانواده و دوستانم داشتم و دارم تا حدی غافل شوم البته این موارد را باید آنها بگویند اما به‌ر حال شخصاً این اشکال را در خود می‌بینم و از نظر تقسیم وقت در روزها، ماه‌ها و در سال‌ها، گمان می‌کنم اشکالاتی داشته باشم. ثانیاً بنده از سال ۱۳۶۸ که کلاس‌های جهاد دانشگاهی در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی آغاز به کار کرد، توفیق آن را داشتم که با دوستان دانشجوی در خصوص آیین نگارش حقوقی، آیین تنظیم قراردادها، هنر و فن دفاع و بحث و کار کنم مکرر به این دوستان می‌گفتم باید سعی کنید کار با رایانه را یاد بگیرید زیرا با گذشت زمان به دوره‌ای خواهیم رسید که

خواهند پرداخت که متأسفانه در جامعه کنونی ما این چنین نیست و ما معمولاً در مورد عیب‌های خود بسیار آسان‌گیر و چشم پوشنده هستیم ولی در مورد دیگران سختگیر و اهل شدت عمل.

اما چنانچه بخواهم به انتقاد از خود بپردازم، سخنانم در یک سستون یا یک صفحه از روزنامه جا نخواهد شد و محتاج نوشتن کتاب‌ها است. خداوند ستار العیوب است و عیب‌های ما را از چشم‌های دیگران می‌پوشاند و نمی‌گذارد آشکار شود اما اکنون من به مواردی چند در مورد خود انتقادی یا به قول نشریه توفیق «خودمشت مالی» که یک ستون این نشریه بود می‌پردازم: اولاً گمان می‌کنم تمایل شدید به روزآمد بودن در امور حرفه‌ای و فنی و تخصصی،

بهمن کشاورز

حقوقدان



لب به انتقاد گشودن از خود و خودانتقادی، در لحظه نخست مرا به یاد فرموده‌ای از حضرت علی (ع) می‌اندازد. ایشان می‌فرمایند در شگفتی از انسانی که ندیدن اشکالات، عیب‌ها و ضعف‌هایش به او فرصت می‌دهد که به اشکالات، عیب‌ها و ضعف‌های دیگران بپردازد.

این گفته مولای (ع) اگر همواره به یاد افراد باشد، همگان پیش از پرداختن به اشکالات دیگران و عیب‌جویی از ایشان، به خود و وا کوی رفتارهای خود

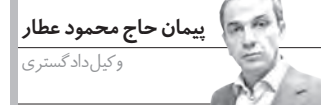
خاطره‌بازی

یک فرهنگ بد

متأسفانه این بحث، بحثی کاملاً ریشه‌ای در باب موضوعات اجتماعی است به قول پزشکان که می‌گویند پیشگیری بهتر از درمان است، در حقیقت باید در فکر پیشگیری بود تا بخواهیم به درمان این ناسامانی بپردازیم. ما در حال حاضر با جامعه‌ای بی تفاوت نسبت به موضوعات مهم و اخلاقی روبه‌رو هستیم و چنین برخوردی تنها در جامعه‌ای روی می‌دهد که افراد توجیحی به موضوعات اخلاقی نداشته باشند.

از جمله دیگر مسائلی که در جامعه ما آن روبه‌رو هستیم و به شخصه بارها با آن مواجه شده‌ام، این است که اغلب افراد درباره موضوعاتی که در آن تخصص کافی ندارند، صحبت می‌کنند یا برای مثال بارها دیده‌ام که افراد سرمایه‌گذاری‌های بزرگی انجام می‌دهند بدون آن که بدانند باید چه مراتبی را در سرمایه‌گذاری‌شان طی کنند.

این بی‌توجهی عامل مشکلات گسترده برایشان شده و از نظر اقتصادی نیز دچار بحران می‌شوند که این بحران، منجر به شروع بحران‌های دیگر در زندگی آنها می‌شود. البته باید توجه داشت که تمام این موضوعات نشأت گرفته از آموزش‌های اشتباه در جامعه است. زمانی که شما عملکردهای مثبتی از خود در جامعه ارائه ندهید ناخودآگاه عملکردهای تان در سطح فرد هم دچار تزلزل می‌شود و این آسیب به تک تک افراد جامعه نیز انتقال می‌یابد. این باور اشتباهی است که تصور کنیم اگر رفتار نادرستی داشته باشیم باعث نمی‌شود که افراد دیگر متضرر شوند. چرا که قطعاً هر عملی بازتابی دارد و رفتارهای ما مانند یک آینه به خود ما باز می‌گردد اما اگر رفتار ما در جامعه درست و به جا باشد قطعاً بازتاب آن نیز برای تمام افراد جامعه خوب خواهد شد و دیگر هیچ‌کس در هیچ جای این شهر از رفتارهای مردم ضرر نمی‌کند و کسی هم لب‌به‌شکایت نمی‌گشاید.



ایمان حاج محمود عطار
وکیل دادگستری

موضوعی که می‌خواهم از آن صحبت کنم نباید تنها به‌عنوان یک مسأله گذرا قلمداد شود بلکه این موضوع روزها و شاید ماه‌هاست که برای من و هم‌صنف‌هایم رخ داده است. البته این موضوع برمی‌گردد به رفتارها و ریشه‌های اجتماعی که در این شهر و کشور ما را درگیر خود ساخته. اغلب مراجع‌کنندگان که برای موضوعات مختلف نزد من می‌آیند، در بیشتر مواقع هر شرطی را که با آنها می‌گذارم، می‌پذیرند و هیچ مخالفت یا بدقولی را در قبال آن ابراز نمی‌کنند. اما به محض این که کارشان پایان می‌پذیرد یادشان می‌رود که چه قول و قرار را با وکیل خود گذاشته‌اند یا به بیان بهتر این موضوع از ذهنشان بیرون می‌رود که باید حق کسی که برایشان کاری انجام داده را ادا کنند. متأسفانه این فرهنگ در تمام ارگان‌ها و سازمان‌های کشور نیز وجود دارد که جای تأسف بسیار دارد. این مشکل، مشکل ریشه‌داری است. به این معنی که وقتی کسی چنین برخوردی را با وکیلش دارد، بدون شک این برخورد را با دیگر اعضای جامعه نیز خواهد داشت.

ناباید این اخلاق باب شود که هر کس در هر حرفه‌ای که کار می‌کند، با طرفند‌های مختلف بخواهد از دیگران پولی به جیب زند یا حق دیگران را به راحتی زیر پا گذاشته و آن حق و حقوق را نپردازد. نباید اجازه داد که این باور در جامعه شکل گیرد و به‌عنوان روال عادی تلقی شود.

چکش کاری

کلاس درس مثل صحنه نمایش است



علی اکبر زین العابدین
آموزگار و سردبیر ماهنامه «فکله»

در کودکی از مهر بدم می‌آمد. از وقتی تدریس می‌کنم، اول مهر را دوست دارم. معلمی، کار تمام‌وقت من نبوده و نیست و من استخدام رسمی آموزش و پرورش نبوده‌ام، اما شانزدهمین سالی است که برای تدریس به کلاس‌های مدرسه وارد می‌شوم. من در همه این ۱۶ سال، معلمی کرده‌ام، ولو چند ساعت در هفته، حتی دوره‌سربازی!

تدریس، معلم را خسته می‌کند ولی به خستگی بازیگری تئاتر می‌ماند. اصلاً کلاس درس خیلی شبیه نمایش است. بازیگر، پایان اجرا خسته است، اما باز شوق آن دارد، همان دیالوگ‌هایی را که یک‌ماه است تکرار می‌کند دوباره فردا شب بر زبان بیاورد. دیالوگ همان دیالوگ است، اما تماشاجی‌ها آنها نیستند. زمان و حال بازیگر با شب‌های پیشین تفاوت دارد. حتی اگر همه تماشاجی‌های شب قبل، امشب بیایند باز همه چیز تغییر کرده است. هر شب همه چیز تازه می‌شود و خستگی بازیگر را تغییر می‌بخشد. معلمی همین‌جوری است، اما تماشاجی‌های معلم با این که تغییر می‌کنند، ثابت هستند! از یک کلاس به کلاس دیگر تغییر می‌کنند. بچه‌های هر کلاس، بوی خودشان را می‌دهند. زاویه نوری که از پنجره این کلاس تابیده می‌شود یا دیگری یکسان نیست. اندازه یک کلاس، کوچکتر است، کلاس دیگر، بزرگتر. یک کلاس گرم‌تر است، یک کلاس سردتر. بچه‌های یک کلاس شیطان‌ترند، دیگری آرام‌تر. کلاسی خلاق‌تر، کلاسی درس‌خوان‌تر. بچه‌های یک کلاس ساده‌تر و دیگری پیچیده‌تر... اما هر هفته همان‌ها هستند که هفته پیش بوده‌اند. چند صحنه، چند اجرا و چند گروه تماشاجی. به خانه که می‌روی به همه‌شان فکر

برش

بوی مهر

باز بوی دفتر
پاک کن‌های سفید
تهداد قرمز
باز هم مهر رسید
باز هم رز زدن حرف الف
باز هم دختر کی سر به هوا
دختری ناز که نامش کبر است
و ده‌ها سال است
قول هاداده به خود
و گرفته تصمیم
که دگر بار، کتاب خود را
باز جانگذازد. شب به زیر باران
آن کتاب کهنه
همچنان خیس و چروکیده و باران زده است
باز هم سال دگر
باز پاییز دگر
باز تصمیم دگر
باز کوکب خانم

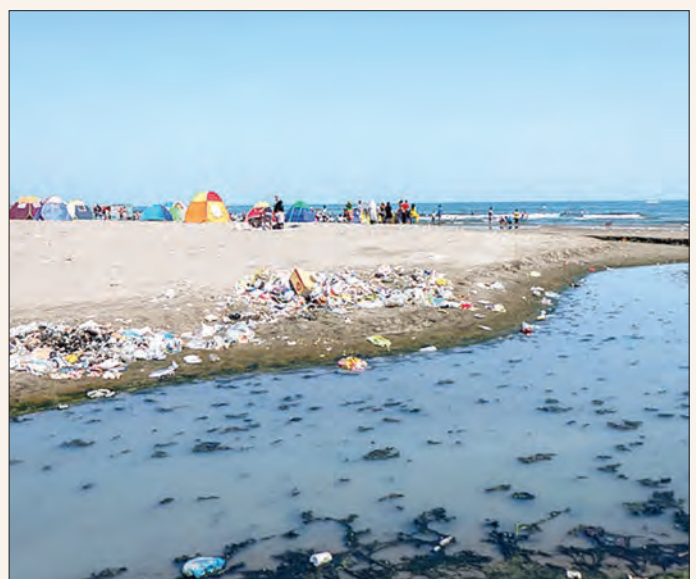
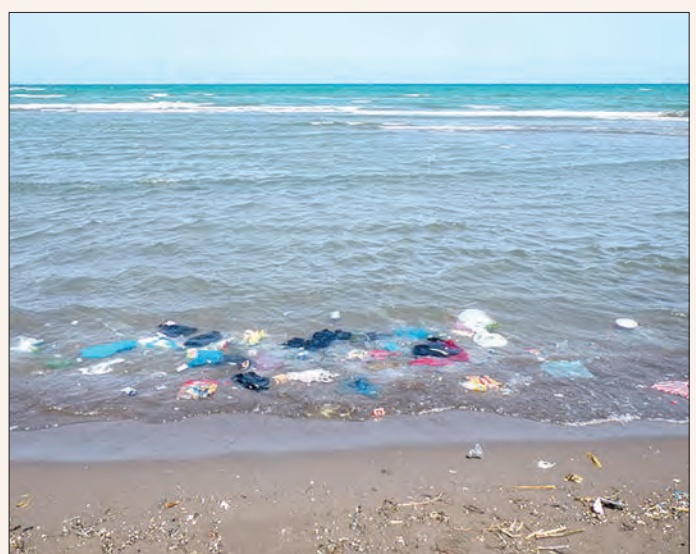
چندمیه‌مان دارد
باز هم سفره رنگین پهن است
و کدام از ماها
در پس این همه سال...
حسرت خوردن از آن سفره کوکب خانم
همچنان باو نیست؟
خوش به حال عباس!
خوش به حال کبری!
خوش به حال حسنک!
که همه دغدغه‌شان
سفره و دفتر خیس است و صدای یک بز
خوش به حال همه‌شان!
کز ما جاماندند
همه کودک‌مانند
ورسیدیم ما به سراسی که هم‌اکنون هستیم
و غم غربت ایام گذشته است که دایم با ما است.

شاعر: اراز

شاتر

آلودگی دریاچه خزر

عکس‌ها: حمیدرضا دستجردی | ایسنا



روایت

